

شهادت رفیق رفعت افراز در خلفار



رو زهشتم شهریور ماه یکی از فرزندان انقلابی خلق رفیق رفعت افراز از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران که از طرف سازمان بیاری برادران عمانی خود در آن سوی خلیج اعزام شده بود ، در عمان شهادت رسید .

رفیق افراز در سال ۱۳۱۴ در شهر چهرم در خانواده ای متوسط متولد شد . در اوائل جوانی پیس از درگذشت پدرش و در حین تحصیل ، از طریق کارهای خانگی عهده دار قسمتی از مخارج زندگی مادر و خواهرانش شد . پس از گذراندن دبیرستان ، به تدریس در مدارس چهرم و تهران پرداخت . او آموزگار دلسوز ، جدی و صمیمی کودکان چهرم بود و در حرقه معلمی اش همواره به افشای جنایات رژیم شاه و بالا بردن سطح آگاهی دانش آموزان می پرداخت .

فعالیت اجتماعی - سیاسی او از شرکت در برخی محافل مذهبی - سیاسی چهرم شروع شد . او در سال ۱۳۴۶ به تهران آمد و بعنوان مدیر دبستان مشغول به کار شد . از ابتدای اقامتش در تهران در ارتباط با سازمان قرار گرفت و از سال ۴۹ به عضویت سازمان مجاهدین درآمد . از سال ۵۰ بویژه پس از ضربه شهریور ۵۰ درست از زمانیکه دیکتاتوری - پلیسی شاه جنایتکار شدیدترین حملات سرکوب را علیه انقلابیون خلق ما اعمال میداشت ، رفیق افراز با ساختن محللهائی بیشترین وقت خود را برای مبارزه علیه دشمن خلق آزاد نمود و تا سال ۵۴ - در حالیکه بصورت علنی زندگی میکرد - بمبارزه خود علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن ادامه داد .

در سال ۵۴ همزمان با تشدید حملات نیروهای متحد ارتش شاه و قاپوس - این سگان زنجیری امپریالیسم آمریکا و انگلیس - علیه خلق قهرمان عمان برای استحکام وحدت هر چه بیشتر نیروهای انقلابی منطقه و یاری رفقای انقلابی ما در آنسوی خلیج به جبهه نبرد علیه امپریالیسم - ارتجاع به ظفار اعزام شد . وی مشتاقانه از مبارزه در سخت ترین شرایط اقلیمی علیرغم ضعف جسمی اش و علیرغم ابتلاء به بیماری اسم ، استقبال نمود .

رفیق افراز چندین ماه همدوش رفقای عمانی در ارتش آزادی بخش خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه داد و در روز هشتم شهریور ماه ۱۳۵۴ در اثر ابتلاء به یک بیماری شهید شد .

گرامی باد خاطر مجاهد شهید رفعت افراز
مستحکم باد همبستگی نیروهای انقلابی منطقه
مرک بر امپریالیسم و سگان زنجیرش شاه و قاپوس

مسافرت شاه به ترکیه

یا جزئی از برنامه تهاجمی امپریالیسم

مهمترین هدف این تظاهرات و عملیات نظامی ، نشان دادن احساس همبستگی خلق ترکیه با خلق ایران و مبارزین قهرمانش بود که مصممانه در راه هدف مقدس خود - آزادی و سوسیالیسم - به مبارزه مسلحانه علیه طبقه حاکم و امپریالیسم در ایران دست زده اند .

جزئی از برنامه تهاجمی امپریالیسم در خاور میانه بعد از شکست سیاسی - نظامی امپریالیسم آمریکا در هندو چین ، منطقه خاورمیانه مرکز تهاجمات امپریالیستی علیه انگیزه های انقلابی پرولتاریا و خلقهای جهان میباشد . محدود کردن چنین تهاجمی فقط به نقطه نظرهای نظامی خود خطای بزرگی خواهد بود . چنین تهاجمی بوسیله اعمال نظامی و کودتاها (مانند قبرس ، لبنان ، عمان ، و ایرتبه) و گاه بوسائل دیپلماتیک (مانند پیمانهای ارتجاعی بین مصر و اسرائیل) و گاه بوسیله کمکهای اقتصادی و سیاسی انجام یافته است . امپریالیستها و همکاران نفتی ثروتمند آنها در هر نقطه منطقه با دادن ملیونها دلار اعتبار و قرض به استحکام بورژوازی قوت بخشیده اند . سخن کوتاه ، امپریالیسم جهانی تمام نیروهایش را برای نگهداری و قوت بخشیدن به رژیم امپریالیستی در منطقه بسیج نموده است و برای پیاده کردن چنین برنامه تهاجمی ، امپریالیسم همپیمانان و نوکران قابل اعتمادی دارد .

از اینرو ، بعد از جنگ دوم جهانی ، امپریالیسم آمریکا مجدانه در پی ایجاد حلقه قوی از دولتلهای متحدش در

بقیه در صفحه ۲

مقاله زیر نوشته یکی از رفقای انقلابی ترکیه در باره مسافرت اخیر شاه به ترکیه و ابعاد سیاسی - اقتصادی توافق جدید بین این دو رژیم میباشد ما برای همبستگی با خلق ترکیه و سازمانهای انقلابی مسلحش اقدام به درج تلخیصی از این نوشته مینمایم . باختر امروز

در اواخر اکتبر گذشته ، شاه دیکتاتور خونخوار ایران ، دیدار یک هفته ای از ترکیه بعمل آورد . دولت ، بورژوازی و جبهه ملی ترکیه (۱) با اهمیت خاصی به این مسافرت مینگریستند . در حقیقت ، مسافرت شاه در رابطه با استحکام یافتن هر چه بیشتر سیاست تهاجمی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ، اهمیت فراوانی داشت . طبقه حاکمه ترکیه بگرمی و با جشنها و ضیافتهای مجلل به استقبال و پذیرائی طبقه حاکمه ایران پرداخت .

« ضیافتهای خوش آمد » توسط انقلابیون ترکیه خلق ، انقلابیون ، کمونیستها ، نیروهای مترقی و دموکراتیک ترکیه و دانشجویان انقلابی در ترکیه بنحو دیگری به پذیرائی شاه شتافتند . قبل و در طول سفر شاه ، نیروهای انقلابی ترکیه و دانشجویان انقلابی ایرانی در ترکیه دست به تهاجم وسیع تبلیغاتی زدند که در آن ماهیت ارتجاعی فاشیستی و امپریالیستی رژیم شاه را در ایران برای افکار عمومی جهان و زحمتکشانش ترکیه تشریح نمودند . دولت فاشیست ترکیه که انتظار یک چنین خوش آمدی ، را از طرف انقلابیون داشت ، تمام نیروهای خود را علیه نیروهای انقلابی و مترقی ترکیه متمرکز نمود .

تدابیر امنیتی ، خاصی در آنکارا و از میر - محللهائیکه شاه دیدار مینمود - اتخاذ شد و نیروهای امنیتی را از شهرهای دیگر به آنجا منتقل نموده وحتی تظاهرات را نیز ممنوع کردند . قبل از این دیدار ، عده زیادی از دانشجویان ایرانی زندانی شده و تاپایان سفر شاه در زندان بسر بردند . اما علیرغم تمام این تدابیر ، نیروهای فاشیست نتوانستند از جنبشهای اعتراضی علیه شاه جلو گیری کنند . بی جانیست که چند مثالی را ذکر کنیم .

بمبهای در مرکز دولتی ایران و ترکیه و کنسولگری انگلستان در استانبول منفجر گردید . بعد از انفجار اعلامیه ای با امضاء « انقلابیون ترکیه » منتشر شد که علت انفجار بمبها را اعتراض به دیکتاتوری خونین ایران و سیاست امپریالیستی در خلیج خاصاً عملیات نظامی مشترک ایران و انگلستان علیه انقلاب عمان ، اعلام نمود .

هنگام مسافرت شاه به از میر ، انقلابیون تظاهرات عظیمی برپا نمودند و در طی آن به اعتراض بسه رژیم فاشیستی شاه پرداختند . پلیس به تظاهر کنندگان حمله میکند و در طی این زد و خورد عده ای از انقلابیون و همچنین پلیس زخمی میشوند . بیش از ۱۲ نفر از تظاهر کنندگان نیز دستگیر میشوند .

همزمان با آن ، یک تهاجم وسیع تبلیغاتی علیه شاه در شهرهای بزرگی چون آنکارا ، استانبول و از میر انجام یافت . دانشجویان انقلابی ایران با پخش اعلامیه هائی ماهیت حقیقی رژیم ارتجاعی شاه و اربابان امپریالیستی اش را به خلق ترکیه نشان دادند .

اخبار

✪ اعدام مستشاران آمریکائی همداری بود علیه نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم آمریکا در ایران . از جمله نتایج این اعدام تا اثراتی بود که بر روی روحیه کارکنان ایرانی و آمریکائی سفارت آمریکا و دیگر مؤسسات علنی آمریکا در ایران بجا گذاشت . تا آنجا که بنابر گزارش روزنامه آمریکائی « هرالد تریبون » مورخ ۵ نوامبر ، سه کارکنان سفارت آمریکا در ایران بخاطر سختی شرایط کار و « پتانسیل خطر » ده در صد اضافه حقوق داده میشوند مسلماً این آخرین باری نخواهد بود که گولهای فرزندان انقلابی خلق سینه مزدوران آمریکائی را میشکافد و ایسین جزیره ثبات و امنیت مزدوران یانکی را بخطر میاندازد .

✪ روز ۲۹ نوامبر گذشته امیر عباس هویدا نخست وزیر ایران وارد بحرین شد که سیاست دو رژیم ارتجاعی را در مورد امنیت خلیج !! هماهنگ سازد ، این اولین مقام برجسته ایرانی است که پس از اعتراف ایران به استقلال بحرین در ۱۹۷۰ به آنجا سفر میکند . در دو سه ماه گذشته بحرین شاهد بازداشتهای وسیعی بوده که رژیم ارتجاعی ال خلیفه از عناصر ملی و پیشرو آنجا بعمل آورده است و با توجه باینکه سیاست قلع و قمع اخیر رژیم ال خلیفه باعث عصیانهای شدیدی در میان توده های مردم بحرین شده ،

بقیه در صفحه ۲

بقیه سفر شاه ۰۰

خاورمیانه بوده است . یونان ، ترکیه (هر دو اعضای پیمان ناتو) ، ایران ، پاکستان ، اسرائیل ، عربستان سعودی ، کویت ، شیخ نشین های عربی ، اردن ، ... قسمت های ... از این حلقه میباشد .

امروزه با افزایش در آمد نفت و تغییرات سیاسی در جهان و بخصوص در منطقه (مرکز قدرت مالی در دست کشورهای تولید کننده نفت) باعث شده است که ایران و دیکتاتور خونخوارش شاه ، قویترین نماینده امپریالیسم در خاورمیانه باشد . وظیفه شاه ایران ، امروز فقط محدود به مواجه با مبارزه انقلابی خلق ایران و حفاظت رژیم فاشیستی خود نمیشد ، بلکه همچنین تحت کنترل قرار دادن تغییرات سیاسی در منطقه و بخصوص خلیج فارس میباشد . حمایت مالی لازم برای این چنین برنامه ای ، با درآمد روز افزون نفت در ایران تامین میگردد . بطور مثال : با توجه به آمار رویال دوچ شل (ROYAL D. SHELL) در سال ۱۹۷۴ به ۱۹/۳۰ میلیارد دلار رسیده است در حالیکه در سال ۱۹۷۳ فقط ۵/۶۰ میلیون دلار بوده است .

به پشتوانه درآمد هنگفت نفت ، شاه روزانه به اضافه کردن قدرت تسلیحاتی خود میپردازد . فقط چند سال گذشته ، شاه بیش از ده میلیارد دلار سلاحهای جدید خریده است . ارتش شاه در مدت کوتاهی یکی از بزرگترین ارتشهای خاورمیانه خواهد شد . این درآمد هنگفت مالی و قدرت نظامی ، شاه ایران را مدافع شماره یک منافع امپریالیستی در منطقه نموده است .

ترکیه نیز ساهاست که زیر یوغ امپریالیسم میباشد و توسط نوکران آنان اداره میشود . بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی ، ترکیه در تمام پیمانهای امپریالیستی که در این منطقه انجام گرفت ، شرکت نمود . ترکیه در پیمان ناتو از سال ۱۹۵۲ و همچنین در ایجاد پیمان بغداد شرکت کرده و بعد از ملغی شدن این پیمان ، با ایران ، پاکستان ، بریتانیادار ایجاد پیمان سنتو کوشید .

ترکیه روابط خود را با دولت صهیونیستی از همان سال ۱۹۴۸ آغاز نموده است . این دو دولت در فعالیتهای متعددی بخصوص در امور سیاسی و نظامی با یکدیگر همکاری نموده اند . قسمت های شمالی و جنوبی ترکیه با شبکه ادارهای امریکائی و ناتو پوشیده شده است . از همین پایگاهها بود که نیروی دریائی امریکا در تهاجم به لبنان در سال ۱۹۵۸ استفاده نمود .

اما این سیاست مزدورانه پرستیژ سیاسی ترکیه را در سطح جهانی تقلیل داده است . امروزه ترکیه فقط یک پایگاه نظامی در سیستم جهانی امپریالیسم میباشد . ترکیه عهده دار نقش فعالی در امور سیاسی خاورمیانه نمیشد . سیاست خارجی ترکیه بعد از آخرین تجاوز به قبرس در سطح جهانی منفرد مانده است . ترکیه از هیچ منبع اقتصادی و مالی برای توسعه موقعیت سیاسی خود برخوردار نیست و از سال ۱۹۵۰ محتاج به کمکهای اقتصادی و مالی از متروپولهای امپریالیستی بوده است .

ترکیه ، بعد از امریکا دارای بزرگترین ارتش در پیمان ناتو میباشد . سلاحهای ارتش ترکیه اغلب از انواع قدیمی میباشد ، و از اینرو نمیتواند هیچ اقدام مهمی خارج از محدوده کشور انجام دهد (در اشغال قبرس ، ارتش ۴۰۰۰۰ نفر برای آزاد کردن !! نصف جزیره ایکه جمعیت آن ۲۵۰۰۰۰ نفر میباشد استفاده نمود) تنها استفاده ارتش برای طبقه حاکمه سرکوبی خلق و جنبش انقلابی در درون کشور میباشد .

از اینرو طبقه حاکمه ترکیه برای بدست آوردن تأثیرات سیاسی و پرستیژ دیپلماتیک میباید از طریق دیگری اضافه بر وابستگی به امپریالیسم وارد میدان گردد . بهمین خاطر دولت ترکیه وارد بازی سیاسی جدیدی شده است . از یکطرف فروپاشی را با دولت صهیونیستی اسرائیل مستحکم مینماید ، و از طرف دیگر برای بدست آوردن حمایت سیاسی و دیپلماتیک دول عربی و جلب حمایت مالی شیخ نشین های نفت خیز خلیج سعی در نزدیک شدن به کشورهای عربی و جنبش آزاد بیخش خلق فلسطین مینماید .

اما این تاکتیک ثمرات زیادی ببار نیآورده است . فقط با در نظر گرفتن این حقایق است که میتوان به اهمیت سفر شاه پی برد . رژیم شاه بعنوان مدافع منافع امپریالیسم در منطقه احتیاج به دستیاران منطقه ای دارد و رژیم ترکیه نیز بخصوص بعد از از دست دادن پرستیژ سیاسی اش در جریان اشغال قبرس - احتیاج به حمایت دیپلماتیک در سطح منطقه دارد . سابقه همکاری دو دولت ارتجاعی سابقه ای بس طولانی میباشد هر دو درگیر پیمانهای متعدد نظامی - سیاسی - اقتصادی هستند . کوتاه سخن ، ترکیه احتیاج به پشتیبان دارد و هیچ پشتیبانی بهتر از رژیمی که با او منافع و حتی مرز مشترک دارد نمیشد . دولت ترکیه

میباشد . شاه نیز در عرض حمایت از ترکیه ، خواستار حمایت ترکیه از سیاست تهاجمی اش در خاورمیانه میباشد . شاه و دولت ترکیه ، بطور کامل بر روی این نقیاط توافق نمودند . بیانیه مشترک منتشر شده از جانب ایران و ترکیه بیانگر این توافق کامل میباشد :

« در طرف اعضاء کننده بیانیه در باره تمام مسائل خاورمیانه همکاری مشترک خواهند داشت و برای تثبیت امنیت ؟؟؟ و تکامل همکاری کشورهای خلیج خواهند کوشید .

ایران و ترکیه سیاست ترکیه را در مورد قبرس و تنز قدراسیون جغرافیائی (این یک تز امپریالیستی برای تقسیم قبرس میباشد) را قبول مینمایند .

در دولت بر سر همکاری برای برقراری یک کارخانه تانک سازی (بعنوان قسمتی از حمایت از برنامه تهاجم امپریالیستی) به توافق میرسند . این کارخانه که به تولید تانکهای انگلیسی میپردازد ، در مناطق مرزی ایران و ترکیه - در کردستان ترکیه - ساخته خواهد شد . بدینسان اولین سرمایه گذاری در صنایع سنگین در کردستان ، در جائیکه هرگز صنایع سنگینی وجود نداشته است ، ساختن یک کارخانه تانک سازی خواهد بود !!!

این کارخانه تانک سازی مشترک اعلام میدارد که - از نظر اقتصادی بیانیه مشترک اعلام میدارد که ایران ۱۲۰۰ میلیون دلار به ترکیه اعتبار مالی خواهد داد . این اعتبار توسط ترکیه برای توسعه بخشیدن به خطوط حمل و نقل بین ایران و اروپا و ساختمان بنادر و باراندازهای برای همان منظور در نظر گرفته شده است .

در بیست سال گذشته دولت ترکیه درگیر بحرانهای مداوم بوده است . منابع درآمد مالی بورژوازی ترکیه برای سرمایه گذاری مجدد بشدت رو بکاهش است . عدم موازنه پرداختها در مبادلات خارجی بچشم میخورد . سطح زندگی بشدت بالاست (بین ۲۰ تا ۳۰ درصد) - سطح زندگی طبقه کارگر و تودهها نزحمتکش طیف صعودی خسود رامیبیابند . بیکاری در رکشنور وحشت انگیز است . درصد بیکاری (مخفی و غیر مخفی) در حدود ده درصد در صنعت و کشاورزی در سال ۱۹۷۴ بود . تعداد کارگرانی که بر اروپا کار میکنند (عموما در آلمان غربی) در حدود یک میلیون نفر است اما بحرانهای اقتصادی سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ در کشورهای امپریالیستی ، از سرازیر شدن دستمزد کارگران به ترکیه جلوگیری کرده است از سال ۱۹۶۲ موازنه پرداختها خارجی ، با فرستادن درآمدهای کارگران ترک در اروپا به ترکیه جبران میشده است ، اما امسال این درآمدها هم نمیتوانند کمبود موازنه پرداخت را در تجارت خارجی جبران کنند . سازمان برنامه ترکیه صادرات برای سال ۱۹۷۵ را در حدود ۵/۵۰۰ میلیون دلار و واردات را ۴/۵۰۰ میلیون دلار برآورد نموده است . دولت ترکیه احتیاج به تزریقهای جدید کشورهای امپریالیستی دارد تا بتواند رژیم بورژوازی را سرپا نگاهدارد .

اینها نکاتی چند از وضع اقتصادی ترکیه بود که نزد یکیش را به ایران اجباری مینمود . اما بهبودی روابط ایران و ترکیه فقط موارد بالا ختم نمیشود بلکه باید به همکاری روزافزون سازمانهای اطلاعاتی و پلیسی هر دو کشور نیز اشاره ای بکنیم . همکاری که سابقه طولانی دارد و رشد جنبش انقلابی ایران و ترکیه ، لزوم توسعه آنرا برای هر دو رژیم فاشیستی بیشتر نموده است .

خلاصه کنیم سفر شاه به ترکیه آغاز فصل جدیدی از ارتباط این دو دولت مرتجع و فاشیست میباشد . اینها همگی جزئی از برنامه کلی امپریالیسم برای حفظ منافع حیاتی اش در منطقه میباشد . و تنها یک راه برای شکست این سیاست امپریالیستی وجود دارد و آن : مبارزه مشترک و متحد نیروهای انقلابی است که دست امپریالیسم را از این منطقه کوتاه خواهد کرد .

اینجا جبهه ملی ، جبهه ای که توسط احزاب ارتجاعی در سال ۱۹۷۴ بمنظور متحد کردن نیروهای فاشیست علیه نیروهای برقی و دموکراتیک تشکیل شده است . این جبهه متشکل از احزاب زیر است :

۱ - حزب عدالت ، بزرگترین حزب بورژوازی بزرگ .
۲ - حزب جمهوریخواه خلق ، که دارای همان خط مسمی حزب عدالت منتها با حجمی کوچکتر .
۳ - حزب نجات ملی ، حزب عناصر نیمه فئودال و بورژوازی کوچک تجاری و رباخواران که احساسات مذهبی را مورد استفاده قرار میدهد .
۴ - حزب عمل ناسیونالیست ، که یک حزب نظامی فاشیست ، نژادپرست ، معتقد به پان ترکیسم و از نوع احزاب فالتزیست است . این حزب ابدا به روشهای پانلانتاریستی توجهی ندارد . دارای گروههای مسلح و کمیتهای مخصوص بحد است .

بقیه اخبار

سفر هویدا به بحرین ضروری تشخیص داده شده است چه گسترش این عصبانها و با توجه به ایرانیان بی شماری که در بحرین ساکن هستند امنیت خلیج !! را از دیدگاه

ارتجاعیون منطقه تهدید میکند . از سوی دیگر وجود پایگاه امریکائی « جفیر » در بحرین و دیگر پایگاههای امریکائی در عربستان سعودی و سواحل ایران در خلیج سیاست هماهنگی را برای امنیت خلیج طلب میکند .

۲۸ نوامبر گذشته سپهبد نصیری رئیس سازمان امنیت (ساواک) ایران وارد قاهره شد . سفر سپهبد نصیری به قاهره در چهار جوب سیاستی صورت میگیرد که امپریالیسم امریکا رژیم شاه را عهددار اجرایی آن نموده است . رژیم ایران که از نظر امریکا نقش اسرائیل را در منطقه بازی میکند عامل اجرای سیاستهای است که اسرائیل مستقیما قادر به اجرای آن نیست . رژیم ارتجاعی مصر که پس از توافقیهای اخیر سینا و در حقیقت اعتراف

غیر مستقیم به اسرائیل شاهد اعتصابها و تظاهرات داخل مصر و خارج آن بوده ، نیاز به حمایت بیشتری از جانب رژیمهای ارتجاعی منطقه احساس نمود . میتوان پیش بینی نمود که سفر رئیس ساواک ایران به مصر برای هماهنگ کردن سیاست قلع و قمع هر گونه صدای مخالف در منطقه صورت میگیرد .

در پی سیاست دروازه های بازی که رژیم شاه نسبت به سرمایه داران اروپائی اتخاذ نمود قراردادی بین ایران و یک شرکت هواپیمائی انگلیسی در مورد خرید موشکهای مدرن زمین به هوای «ریتر» بسته شد . این موشکها که هر یک ۲۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ قیمت دارد مجهز به رادار و هدف یاب هستند و میتوانند از هوا و دریا و زمین مورد استفاده قرار گیرند . وسیله حمل این موشکها نوعی وسیله نقلیه زنجیره ای امریکائی است که میتواند هشت موشک را حمل کند .

این شرکت متعهد شده است که تابستان سال آینده دو کارخانه یکی در شیراز و دیگری در اصفهان تأسیس نماید بطوریکه این کارخانه ها اولین محصول خود را در ۱۹۷۹ تحویل دهند . این موشکها علاوه بر ایران میتوانند مورد استفاده دیگر کشورهای پیمان سنتو نیز قرار گیرند ، و سفر اخیر شاه نیز به ترکیه برای تحکیم بیشتر این پیمان ارتجاعی صورت گرفته است .

رژیم شاه بدنبال خریدهای بی سابقه اش در مورد آخرین نمونه های جنگ افزارها با وجود افزایش بهای نفت بیش از دو میلیارد دلار کسر موازنه پرداختها داشته است . از میلیاردها دلاری که از افزایش بهای نفت عاید رژیم شاه

شد بیش از ۴ میلیارد دلار آن صرف خرید سلاح جنگی شده است . و با وجود طرحهای مشترکی که بین ایران و ژاپن و ایران و آلمان و همچنین دیگر طرحهای جدیدیگر امر سرمایه گذاری انجام شده ، ولی اسراف خاندان پهلوی بیش از آن است که بتواند تعادلی در بودجه دولت ایجاد نماید و باعث کاهش بحران داخلی گردد .

این عکس را خبر گزار «یونایتد پرس» از یکی از هواپیمای «اف - ۱۴ تومکات» که ایران معاهده دریاف آنها را از ایالات متحده امریکا از اوایل ژانویه ۱۹۷۶ یا کشور متعقد نموده منتشر ساخت . این هواپیما چند ریش پرواز آزما یینی خود را بعد از ۷۰ دقیقه در کلایورتن ایالت نیویورک با نشان نیروی هوایی ایران انجام دادند .



این هواپیما چند ریش پرواز آزما یینی خود را بعد از ۷۰ دقیقه در کلایورتن ایالت نیویورک با نشان نیروی هوایی ایران انجام دادند .

این هواپیما چند ریش پرواز آزما یینی خود را بعد از ۷۰ دقیقه در کلایورتن ایالت نیویورک با نشان نیروی هوایی ایران انجام دادند .

مقدمه رفیق دکتر ژرژ حبش

بر کتاب رفیق شهید امیر پرویز پویان

خبر منتشر شده در روزنامه « هرالد تریبون » مورخ ۵ سپتامبر، امریکا با تغییری که نسبت به سیاست کمکهای می گذشته خود بعمل آورده به هزار نفر از نظامیان در خدمت خود اجازه مزدور شدن در خدمت شاه ایران داده است.

دولت ایران هزینه حقوق و مخارج کاملاً نیروی نظامی ۷۰۰ نفری نظامی بنام « تیمهای تکنیکی امداد انی » « T.A.F.T » را در مقابل واشنگتن متقبل شده است. ایران همچنین هشتاد درصد حقوق و مخارج یک و ه ۲۰۰ نفری بنام « امداد مستشاری نظامی M.A.A.G »

که بوسیله دو ژنرال و یک ادمیرال اداره میشود پردازد. جالب توجه است که ریچارد هلمس سفیر آمریکا در ایران و میجر ژنرال نیسروی هوایی هریات دربرک فرمانده « M.A.A.G گروه امداد و مستشاری امی » از شاه خواستند که عهده دار باقیمانده حقوق و ارج نیز بشود.

رژیم مزدور محمد رضا شاه علاوه بر بخدمت گرفتن ن هزار نظامی، بغیر از خرید تانکها و زرهپوشها و چنین بخدمت گرفتن مربیان و متخصصان انگلیسی، به استخدام مربیان غیر نظامی که سابقاً در خدمت ارتش ریکا بوده اند پرداخته است.

در تهیه سلاحهای رژیم که مخارج آن تا کنون به ۱ میلیون دلار بالغ میشود در حدود ۳۰ شرکت امریکائی نالت دارند. در حال حاضر ۲۰۰۰۰ مربی غیر نظامی در

تس ایران وجود دارد که حقوق ماهیانه هر کدام بالغ بر ۲۵۰ دلار میگردد. دولت ایران همچنین باقیمانده تهیه سهیلات را برای خانوادههای این ۳۰۰۰ نفر بعهده گرفته است.

ایران همچنین قرار دادی با شرکت « بل هلیکوپتر B.E.L. HELICOPTER » برای تعلیم ۱۵۰۰ خلبان و ۵۰۰۰ مکانیک منعقد نموده است که در حدود ۲۵۰ میلیون دلار خرج بخواهد داشت. با احتمال قوی تا سال آینده

بعلت افزایش تورم ۱۱ میلیون دلار به ایسین مبلغ اضافه میگردد. در ضمن شاه برای تحویل گرفتن هر چه سریعتر هلیکوپتر های بل، B.E.L. قراردادی دیگر با این شرکت امضاء نموده است که قطعات هلیکوپتر توسط هواپیمای نظامی اف - ۵ حمل گردد بدینترتیب قیمت هر هلیکوپتر ۳۰۰/۰۰۰ دلار خواهد شد.

اینجا جزئی از سیاست تسلیحاتی جدید رژیم در خدمت برنامه تهاجمی منطقه ای امپریالیسم امریکا میباشد و بسیج نظامی رژیم هدفی جز حفاظت از منافع حیاتی امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، و سر کوبی

جنبش های انقلابی منطقه ندارد. امپریالیسم نگسران از ایجاد ویقنای دیگر در خلیج، با پیش کشیدن شعار امنیت خلیج و تا دندان مسلح کردن شاه به پیشگیری و مقابله پرداخته است غافل از آنکه مبارزه متحد و یکپارچه خلقهای منطقه قادر به از بین بردن تمام موانع امپریالیستی - منجمله همین شاه تا دندان مسلح - میباشد.

خلقهای ایران دارای تاریخی سرشار از مبارزات انقلابی به شکلهای مختلف علیه استعمار و دخالت بیگانه و همچنین علیه رژیم ارتجاعی و دست نشانده و پروروازی کمپرادور - وابسته میباشند این افزون بر مبارزهای است که علیه ستم ملی و نژادی که یکی از شکلهای سرکوب ملی و طبقاتی توده های خلقی تمام ملتیهائی که تحت ستم رژیم امپراطوری شاه بسر میبرند در پیش گرفته است.

در این تاریخ طولانی و سرشار از مبارزات ملی و طبقاتی، خلقهای ایران با ارزشترین فدا کارها را انجام داده اند، زیرا که ایران با داشتن ثروت های بی شمار و موقعیت استراتژیکی بسیار مهم، همیشه مورد توجه نیروهای استعماری بوده همانطور که اکنون نیز بشکل ویژه ای مورد توجه امپریالیسم امریکا قرار گرفته است. این نیروها برای بقای این رژیم ارتجاعی در نگهبانی از غارت های وحشیانه انحصارات امپریالیستی از ثروت های ایران، و همچنین در بکار بردن آن به عنوان آلت دستی در سرکوب جنبشهای آزاد بخش تمام آسیای میانه و خلیج و دیگر کشورهای عرب، از هیچگونه کمکی به آن دریغ نمی ورزند.

این نقش منطقه ای و جهانی مبارزه خلقهای ایران، به این مبارزه نقشی گسترده تر از چهارچوب مین میدهد و آن را برای جنبشهای رهائی بخش ملی تمام منطقه بویژه جنبش رهائی بخش ملی عرب بارز و مهم جاوه میدهد، بطوریکه همبستگی میان مبارزه رهائی بخش خلقهای ایران و مبارزه رهائی بخش خلق عرب پیوندی فراز از معنا و مفهوم تاریخی آن میگردد زیرا که این وظیفه ای انترناسیونالیستی از وظایف جنبشهای رهائی بخش ملی است، و این از هم اکنون پایه های محکم دموکراسی پیشرو را در آینده آزاد و پیشرو منطقه استوار می سازد و همگام با آن و از هم اکنون پیوندی میان خلقهای برادر که مبارزه رهائی بخشی را علیه دشمن بیگانه مشترکی یعنی امپریالیسم امریکا با پایگاههای گوناگون ارتجاعی و صهیونیستی و نژادپس در پیش گرفته اند برقرار می سازد.

از اینجا دید ما نسبت به مبارزه خلقهای ایران، بویژه پیشاهنگان انقلابی پیشروش، به سطح یک همبستگی استراتژیکی واحد در مبارزه سرنوشت ساز می رسد، و این امری طبیعی است، زیرا که نظیر چنین پیوندی منتهی بگونه ارتجاعی و دست نشانده اش، میان رژیم دست نشانده شاه و نظام صهیونیستی تجاوزگر در سرزمین ما فلسطین و رژیمهای ارتجاعی و دست نشانده عرب برقرار میباشد. ولی همبستگی انقلابی ما پیوند مترقی تری است که میان خلقهای مبارز علیه این اتحاد امپریالیستی و نژادگرایانه ارتجاعی برقرار است.

این در مورد همبستگی کلی میان خلق ما و خلقهای ایران است، و اما در مورد خاص، ما به « سازمان چریکهای فدائی خلق » یکی از بارزترین پیشاهنگان انقلابی که مبارزه خلقهای ایران در این مرحله وجود آن را ایجاب کرده توجه داریم. ما مبارزه قهرمانانه و سرشار از فدا کاریهای آن را ستایش می کنیم همانگونه که نقشی را که در ایجاد همبستگی بیشتر

میان مبارزه خلقهای ایران و مبارزه خلق عرب بطور عام و خلق فلسطین بطور خاص بازی می کند گرامی میداریم.

و اما کتابی که اکنون در دست مسات و نویسنده قهرمان آن رفیق شهید امیر پرویز پویان با خون خود آن را آغشته نمود، بی شک به مساله بسیار مهمی میپردازد که نسبت به تمام جنبشهای رهائی بخش ملی بویژه در مرحله رو در زوئی و انتخاب میان مبارزه مسلحانه در مقابل به وحشیانه ترین انواع سرکوب و ستم و خفسان، و میان آنچه که رفیق شهید آژا « تئوری بقاء » مینامد در مقابل به مانگونه شرایط، اهمیت ویژه ای دارد. این کتاب در رد « تئوری بقاء » از سطح نظری و علمی و عملی مترقیانه اش فراتر می رود و پایه های ابتدائی بوجود آمدن پیشاهنگ فدائی مبارز را برای درهم شکستن و چیره شدن بر سدهای سرکوب دیکتاتوری به عنوان راهگشای موانع رعب و وحشت از پیش پای توده های مردم، و برای بسیج آنها در سازمان انقلابی خلقی، یا حزب انقلابی، حزب طبقه کارگر، میا میسازد.

اگر این کتاب توجه بیشتر خود را به رد « تئوری بقاء » معطوف میسازد، بر ضرورت تاریخی بوجود آمدن پیشاهنگ مبارز در چنین شرایطی تأکید میکند، و از آن پرورز در میآید، مساله ای است که محور اساسی بحث های ایدئولوژیکی را در ایران تشکیل میدهد، و لازم بود که با همان توجه به مساله گذار و تکامل از پیشاهنگ مبارز در رسیدن به حزب انقلابی، می پرداخت.

ولی شکی نیست که شهادت رفیق پویان بود که باعث شد در بحث و گسترش این مساله وقفه حاصل شود. از اینجا مسؤلیت رفقای دیگر در الهام از این میراث مهر خورده باخون و تجربه اندوزی و مسلح شدن به آن و سپس اقدام در بیابان رساندن مورد یاد شده و ضرورت انجام آن با آگاهی مارکسیستی - لنینیستی و بر پایه تجربه مبارزاتی آموزنده خلقهای ایران و طبقه کارگرش و پیشاهنگان فدائی مبارزش پیش میآید.

در پایان این مقدمه کوتاه برای کتاب، خوشنودم که بنام خود و بنام جبهه خلق برای آزادی فلسطین و بنام خلق مبارز فلسطین تأکید کنم که ایمان ما به پیروزی خلقهای ایران در مبارزه قهرمانانه شان علیه رژیم ارتجاعی و صهیونیستی و دست نشانده و علیه هر نیروی امپریالیستی که پشت این رژیم ایستاده است، ایمانی مطلق است، ایمانی کامل، همانگونه که به پیروزی خلقی میان علیه دشمن امپریالیستی و صهیونیستی و ارتجاعی مشترک ایمان داریم. همه ما امروز برای آزادی تمام منطقه و طرح آینده ای دمکراتیک و پیشرو مبارزه میکنیم، برای صلح و برادری واقعی و به عنوان بخشی از جهان آزاد و خالی از هر گونه بهره کشی یا تسلط..... جهانی که عدالت و صلح و سوسیالیسم در آن برقرار باشد.

دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

دکتر ژرژ حبش

آدرس پستی: کمیته همبستگی با خلق ایران

P.O. Box 5111 - Moalla, Aden
People's Democratic Republic of Yemen.

آدرس بانکی

National Bank of Yemen
P. D. R. Y., Aden, Steamer point
Account No. 59323

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران

در باره :

عمل ناموفق اعدام دیپلمات امریکائی



در ادامه عملیات نظامی سازمان و در رابطه با هدفهای سیاسی تعیین شده ، مقارن ظهر روز ۵ شنبه ۱۲ تیر ماه ۵۴ یک واحد عملیاتی که مأموریت اعدام دیپلمات امریکائی «دونالد اربونا» به آنها محول شده بود ، در تقاطع خیابانهای هاشمی و خردمند راه را بر اتومبیل سرویس امریکا بستند و بر روی آن آتش گشودند .

طبق شناسائی های قبلی ، دیپلمات مذکور در صندلی عقب و در کنار دو کارمند زن سفارت می نشست . بدلیل تیره بودن فضای داخل اتومبیل و بی دقتی مسئول لشکرک در تشخیص دیپلمات امریکائی و همچنین اشکالاتی که در سیستم خبر رسانی و افراد مسئول آن در طرح وجود داشت کارمند ایرانی سفارت که آژورن بطور اتفاقی بجای او نشسته بود ، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد در این جریان طبعاً بدکارمند ایرانی زن و راننده اتومبیل ، طبق برنامه اصلی طرح هیچگونه آسیبی نرسید .

سازمان مجاهدین خلق ایران بدنیوسپه ضمن ابراز تأسف عمیق خود از این واقعه و همدردی با خانواده و بستگان این فرد ایرانی ، مسئولیت این عملیات اشتباه آمیز را مستقیماً بعهده میگیرد . مسلماً چنین اشتباهی مورد بررسی عمیق و ریشه ای ما قرار خواهد گرفت و رقائتی که با بی دقتی خود در ایجاد چنین حادثه‌ای تأسف انگیز نقش مؤثری داشته اند ، با توجه باین اصل که «تنها کسی اشتباه نمیکند که عمل هم نمیکند» مورد انتقاد و حتی تنبیه نظامی واقع خواهند شد .

مواضع کلی ما در قبال شکست ما ، ضعف ها و اشتباهات موجود در سطح جنبش مسلحانه

توضیحات ما در این زمینه در موارد زیر خلاصه میشود :
۱ - بنظر ما ضعفها ، شکست ما و اشتباهات موجود در سطح جنبش مسلحانه نمیتواند امری غیر طبیعی و غیر ممکن باشد ، چرا که بهر حال در شرایط کنونی ، جنبش نوپای خلق ما در موضع ضعیفتری نسبت به دشمن قرار دارد و از طرف دیگر طبیعت قهر آمیز مبارزه خونینی که هم اکنون بین خلق ما و رژیم خو نخوار و تا دندان مسلح شاه چنانیکار در جریان است بما میآموزد که اشتباهات ولو کوچک به سادگی میتواند به حوادث خونین و تأسف انگیزی بدل شوند . هر چند که اینگونه حوادث ، موارد بسیار معدودی از خسارات و قربانیهای فراوانی را تشکیل میدهد که خلق ما بهر حال در جریان مبارزه سخت و طولانی اش برای نیل به آزادی محتمل خواهند شد .

اما آنچه که در این میان ضرورت حیاتی می یابد درک این مسئله است که تنها در جریان برخورد صادقانه و مسئولانه با همین اشتباهات ، ضعفها و شکستها است که جنبش خلق میتواند پایه های مستحکم پیروزیهای درخشان آینده را پی ریزی نماید .

۲ - بعد از آن عمل اشتباه آمیز ، اظهار نظرها ، سوالات و تمایز سیاسی گوناگونی در باره این مسئله و عمدتاً در جهت توجیه آن عنوان شد . حتی عده ای از عناصر

هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی در

خدمت مبارزات خلق

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) ، سازمان متشکل جنبش دانشجویی ایران، تنها سازمان علنی و توده‌ای در درون جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ، نقش مهم و بوجهت‌های را در سیاسی کردن توده‌های وسیعی از دانشجویان ایرانی و افشاء رژیم دیکتاتوری ایران بازی کرده است . حفظ و تعمق بخشیدن به دستاوردهای مرفقی کنفدراسیون ، از وظائف مهم جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق میباشد . رشد و اعتلای مبارزات خلق

در چند سال اخیر بخصوص در شکل مبارزات سیاسی - نظامی و تثبیت سازمانهای انقلابی ، در کنار تغییرات در بنیان اجتماعی جامعه ایران باعث رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش و در نتیجه صفتبندی جدیدی از نیروها در صحنه مبارزاتی گردیده است . امتداد این تأثیرات و صف بند یهای نوین در جنبش سیاسی خارج کشور نیز راه یافت .

در حقیقت این «اختلافات» سازمانهای سیاسی و خط‌مشی آنان نبود که منجر به دقیق‌تر شدن بحث ها و نظریات و در نتیجه روشن شدن مواضع سیاسی گردید . این تضادها در بطن جامعه ایران و ناشی از صف بندی نوینی بود که بالاجبار در درون جنبش خلق بوجود میآید .

تضاد در مشی‌های ارائه شده برای ادامه مبارزه کنفدراسیون ، انعکاسی بود از تضاد در خط‌مشی‌های ارائه شده برای مبارزه در ایران . مشی سازشکاری که مبارزه قهرآمیز و رودرو علیه رژیم فاشیستی شاه را موکول به رو زموعد مینماید و در پناه مفاهیم عام و کلی در سازش

با رژیم قدم بر میدارد و حتی در موضع گیری علیه شاه دچار شک میگردد ، اینجا مواضع سازشکاری را در تعدیسل خواستهای سیاسی کنفدراسیون که ملهم از جنبش خلق میباشد ، و محدود کردن فعالیت‌های آن در حد فعالیت صنعتی فرهنگی بیان میکند . اگر آنجا مبارزه قهرآمیز با رژیم شاه را ماجراجویی و جدا از توده‌ها میدانند ، اینجا مبارزات

دموکراتیک و در رأس آن دفاع پیگیر از مبارزات خلق و پیشاهنگان انقلابی را نوعی انحراف و انحصار جوئی مبارزینی میدانند که اساسی‌ترین وظایف جنبش دانشجویی ایرانی را دفاع از مبارزات خلق و افشاء ماهیت فاشیستی رژیم شاه میدانند ، تلقی میکند .

مبارزات کنفدراسیون بخشی از مبارزات مردم ودر نتیجه متأثر از چتر و مدهای آن میباشد . همانطور که جنبش خلق هر نوع سازش با رژیم - حتی در مفاهیم باصلاح چپ، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه - را از صف خود طردو محکوم میکند ، توده‌های آگاه دانشجویان ایرانی

خارج از کشور نیز طی یک مبارزه همه جانبه و اصولی به طرد خط سازشکارانه پرداخته و کنفدراسیون با حفظ سنن مبارزاتی خود پیروزمندان به مبارزه پیگیر و ضد رژیم خود ادامه میدهد .

از اینرو انعقاد هفدهمین کنگره کنفدراسیون تجمیع وسیع دانشجویان دموکراتیک و ضد امپریالیست ایران که خواهان مبارزاتی پیگیر و اصولی علیه رژیم فاشیستی میباشند

نه تنها اهمیت فراوانی دارد بلکه بیانگر وحدت تمام نیروهای مبارزه جو و طرد سازشکاران میباشد . ما برگزارای این کنگره را گام دیگری در راه پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران میدانیم و خواستار موفقیت هرچه بیشتر آن میباشیم .

ظفر مند باد مبارزه عادلانه خلق عمان

بشپتین جنبش ناآگاهانه در صدد این برآمدند که به نحو این اشتباه تاکتیکی را با هدفهای استراتژیک جنبش مسلحانه منطبق نمایند . مادر اینجا برای باز هم روشن تر شدن هم این ابهامات ، بار دیگر اعلام میداریم که استراتژی عملیاتی ما بطور کلی بر سه محور ضد امپریالیستی - ضد سرمایه داری وابسته (کمپرادور) و ضد سلطنتی قرار دارد بر مبنای همین نقطه نظرهای استراتژیک است که در این مرحله ارگانهای امپریالیستی که حمایت بی چون وچرای رژیم ایران را در دستور قرار داده اند ، ارگانهای مختلف طبق حاکمه مزدور ایران ، ارگانهای اعمال دیکتاتوری و استثمار وحشیانه او و تمام عناصر خائن به ملت ، مغفوبین ضد ملت و استثمارگرانی که مستقیماً در خدمت منافع این طبقه و در خدمت منافع امپریالیسم رژیم دیکتاتوری - پلیسی وابسته به آن قرار دارند و عملاً در قبال جنبش انقلابی خلق موضع خصمانه اتخاذ نموده‌اند مورد حمله ما واقع میشوند . کلیاً عملیات نظامی ما نیز تا کنون در رابطه با چنین محورهای قابل تبیین اند . مطابق این تحلیل یک کارمند ساده هر چند که کارمند سفارت امریکا باشد نمیتواند و نبایستی هدف عملیاتی ما قرار گیرد زیرا که بسیاری از کارمندان و عناصر پائین رژیم کسانی هستند که تضادهای مشخص با رژیم دیکتاتوری دارند و این امکان همیشه وجود دارد که تحت شرایطی به حامیان جنبش خلق تبدیل شوند .

۳ - همچنین بنظر ما همانطور که اعلام و توضیح پیروزیها و موفقیتهای جنبش از طرف سازمانها و گروه های عمل کننده ضرورت دارد بعهده گرفتن مسئولیت ضعفها و اشتباهات و عواقب ناشی از آن ضروریست زیرا داشتن یک موضع صادقانه در مقابل خلق که خود انعکاس برخورد مسئولانه در درون سازمانها و گروههای انقلابی است متقابلاً تعهد ما را در قبال خلق افزون ساخته و بدین طریق است که میتوانیم از تکرار اشتباهات و حاکمیت ضعفها جلوگیری نماییم .

مسلماً درک نکردن مسائل فوق و عدم برخورد مشخص و جدی با آنها ، زمینه را برای بی نظمی و هرج و مرج در میان جنبش انقلابی ، از طریق انجام عملیات غیر مسئولانه بوسیله انقلابی نامهای فرصت طلب ویا حتی عناصری که ناآگاهانه دست به عملیات کور و انحرافی میزنند ، فراهم میسازد . در چنین صورتی طبیعی خواهد بود که رژیم توطئه گر شاه کوشش خواهد کرد با استفاده از چنین دستاویزهایی به منظور مخدوش کردن رابطه اعتماد آمیز خلق و انقلاب ضربات بیشتری بر پیکر انقلاب خلق وارد آورد . در حالیکه بر خورد مسئولانه و صادقانه نیروهای انقلابی و مبارز در چنین مواردی نه تنها بطور دراز مدت نمیتواند مورد سوء استفاده رژیم قرار گیرد بلکه با ایجاد یک رابطه اعتماد آمیز بین خلق و انقلاب ، هر گونه توطئه رژیم را در هم خواهد شکست .

سر انجام پیروزی از آن نیروهای انقلابی است «سازمان مجاهدین خلق ایران»